

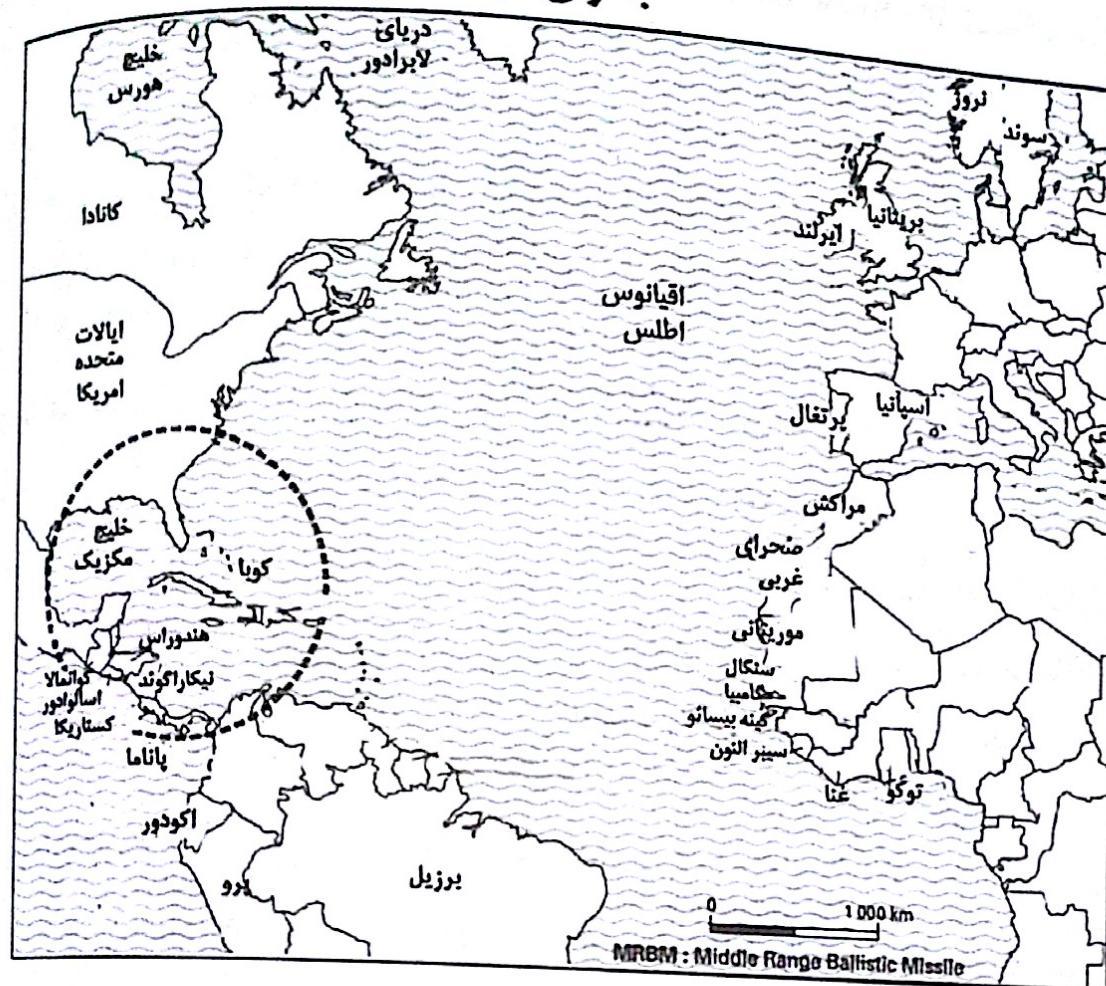
بحران برلین به اوج خود رسید و در شبانگاه دوازدهم و سیزدهم اوت ۱۹۶۱ «دیوار برلین» به دستور دولتمردان جمهوری دموکراتیک آلمان ساخته شد و راه بین برلین شرقی و غربی به طور ناگهانی و بدون دلیل بسته شد. هرچند که هجوم و مهاجرت اهالی آلمان شرقی به آلمان غربی متوقف شده بود ولی بهای سیاسی «دیوار شرم و رسوایی» برای آلمان شرقی مهم و بسیار گران نام شد. نقش برلین به عنوان خطر واقعی سیاسی بعد از بحران موجود به نظر می‌رسید که شدت و حدت خود را از دست داد.

**کوبا: قدرت‌نمایی دو ابرقدرت** - جزیره کوبا مستعمره سابق اسپانیا بعد از جنگ بین امریکا و اسپانیا در ۱۹۸۹ استقلال سیاسی خود را کسب کرد. این جزیره در یکصد و پنجاه کیلومتری سواحل ایالت فلوریدا قرار دارد و تحت قیومیت اقتصادی امریکا اداره می‌شد که در حال حاضر در گواتمانامو دارای پایگاه نظامی است. تولید عمدۀ جزیره کوبا شکر است که هشتاد درصد صادرات آن را تشکیل می‌دهد و یکی از دلایل وابستگی کوبا به امریکا فروش شکر به این کشور بود و زمانی که امریکا واردات آن را متوقف کرد، کوبا متحمل خسارت‌های مالی زیادی شد. در این زمان باتیستای<sup>۱</sup> دیکتاتور بر جزیره کوبا حکومت می‌کرد. فیدل کاسترو و کیل جوان کوبایی علیه استبداد باتیستا قیام کرد که به مبارزات مسلح و جنگ‌های پارتیزانی و میلیشیایی منتهی شد. کاسترو در بیست و ششم ژوئیه ۱۹۵۳ به پادگان مونکادا حمله کرد که با شکست مواجه و مجبور به فرار و ترک جزیره شد. فیدل کاسترو در سال ۱۹۵۶ به کشور مراجعت کرد و در پایگاه‌های سپرا مائیسترا پناهندۀ شد؛ وی در اواخر ۱۹۵۸ با یک حمله تهاجمی موفق به شکست گروه‌های طرفدار باتیستا گردید. دیکتاتور باتیستا که دیگر مورد حمایت امریکایی‌ها قرار نداشت در سی و یکم دسامبر ۱۹۵۸ مجبور به فرار شده و خاک کوبا را ترک و حکومت را در اختیار کاسترو و همکارانش گذاشت.

روابط بسیار سردی بین رژیم کاسترو و امریکا وجود داشت و از زمانی که کاسترو می‌خواست به طور تدریجی از قدرت امریکا بکاهد و از نفوذ و تأثیرگذاری این کشور خارج شود با اتحاد جماهیر شوروی روابط نزدیک‌تری در ایجاد طرح‌های اقتصادی و دیپلماتیک برقرار کرد. یکی از نزدیکان فیدل کاسترو به نام چه‌گوارا در ژوئیه ۱۹۶۰ اعلام کرد: «کوبا جزو اردوگاه سوسیالیست‌ها

۱. Zaldivar Batistay (1901 - 1973) - سالدیوار باتیستایی نظامی قدرتمند و سیاستمدار کوبایی که از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۴ رئیس جمهور کشور بود و در سال ۱۹۵۲ در طی یک کودتا دوباره قدرت را به دست آورد و با پیرحمی تمام بر جزیره حکومت کرد. باتیستا در سال ۱۹۵۹ توسط فیدل کاسترو از کار بر کنار شد - ۴.

## بحران کوبا



است و کوبا احساس می‌کند که پذیرش دکترین مومنو برای این کشور غیرقابل توجیه است زیرا این دکترین هر نوع مداخله کشورهای غیرامریکایی در کشورهای امریکایی را قبول ندارد، ایالات متحده امریکا در اکتبر ۱۹۶۱ هر نوع کمک اقتصادی به کوبا را به حالت تعليق درآورده و ورود شکر به امریکا را ممنوع اعلام کرد. امریکا می‌خواست بدین وسیله کوبا را دچار بحران اقتصادی کند و بالاخره روابط دیپلماتیک خود با کوبا را قطع کرد.

از زمانی که پناهندگان کوبایی به خاطر اصلاحات کشاورزی و ملی کردن شرکت‌های امریکایی وارد امریکا شدند، تنش بین امریکا و کوبا شدت بیشتری به خود گرفت. پناهندگان کوبایی ساکن امریکا با رژیم کاسترو دشمنی داشتند و با حمایت این کشور قصد مداخله نظامی در کوبا را داشتند و در پانزدهم آوریل ۱۹۶۱ در خلیج خوک‌ها عملیاتی انجام دادند که با شکست مواجه شد. شکست خلیج خوک‌ها ضربه بسیار سختی بر رئیس جمهور جدید امریکا وارد کرد و به سختگیری بیشتر کاستریسم منتهی شد. کندی برای تقویت بیشتر رژیم‌های ضد کمونیستی امریکایی لاتین و سرایت کاستریسم در این کشورها در اوت ۱۹۶۱ به «سازمان دولت‌های امریکایی»<sup>۱</sup> پیشنهاد کمک‌های بسیار زیادی را

به عنوان «اتحاد برای پیشرفت» نمود و در ژانویه ۱۹۶۲ کوبا را از سازمان دولتهای امریکایی کنار گذاشت. کوبایی‌ها از اتحاد جماهیر شوروی درخواست کمک‌های تسليحاتی کردند که موفق شدند.

سرویس‌های اطلاعاتی امریکا اطلاع دادند که شوروی در کوبا پایه‌های پرتاب موشک‌های میانبردی را نصب کرده بود که آمادگی کامل برای رسیدن به خاک امریکا را داشتند. آن‌ها اطلاع دادند که کشتی‌های شوروی در حال حمل موشک و بمب به‌سوی کوبا هستند. کنندی رئیس‌جمهور وقت امریکا دچار چالش عجیبی شد ولی توانست خطر را از بین ببرد. آیا شوروی می‌خواست با این عمل عکس‌العمل و ضد حمله امریکایی‌ها را ارزیابی کند؟ آیا می‌خواست امریکا را به‌خاطر حل مسئله برلین بترساند؟ کنندی که در «لبه پرتگاه» قرار گرفته بود سیاست قاطع‌های پیش گرفت و در بیست و دوم اکتبر اعلام کرد که نیروی دریایی امریکا اطراف جزیره کوبا را محاصره کرده و ورود و خروج را زیر نظر داشته و جلوی ورود کشتی‌های شوروی به کوبا را خواهد گرفت. کنندی از شوروی خواست تأسیسات موجود در کوبا را پیاده کرده و از مسلح و مجهز کردن کوبا صرف‌نظر کند. چالش بزرگی به‌وجود آمده بود و هر لحظه امکان بروز جنگ سوم جهانی وجود داشت. خروشچف در بیست و ششم اکتبر به‌خاطر معاملات محروم‌های که بین دو کشور صورت گرفت، تسليم شد و به کشتی‌های خود دستور داد تا مسیر خود را عوض کرده و به شوروی مراجعت کنند. خروشچف برای تسليم و پذیرش وضع موجود پیشنهادهایی به امریکا کرد که ایالات متحده باید از حمله به کوبا خودداری کرده و موشک‌های موجود خود از ترکیه را جمع‌آوری کند. شوروی در بیست و هشتم اکتبر تأسیسات خود در کوبا را پیاده و جنگ‌افزارهای تهاجمی را از آنجا خارج کرد. حل و فصل مشکلات موجود به‌خاطر درخواست‌های کوبا مدت‌ها به تأخیر افتاد.

بحران کوبا رویداد مهمی در تاریخ روابط بین‌المللی بود که می‌توان در آن بررسی فرضیه انصراف از پیشرفتهای هسته‌ای و تأکید در حل مشکل به‌صورت مسالمت‌آمیز را بررسی کرد. اعتبار خاص و استثنایی به‌دلیل این بحران نصیب کنندی گردید که به‌خوبی توانسته بود در مقابل درخواست‌های شوروی عکس‌العمل نشان دهد و برتری امریکا در تسليحات استراتژیکی را به‌خوبی نشان داد.

بحران کوبا نشان داد که مذاکره بین دو ابرقدرت لازم و ممکن بود زیرا آن‌ها توانستند بحرانی را که در آن کوبا با اعتراض و تلاش سعی می‌کرد شرایط خود را تحمیل کند، مقابله کردند. هوشیاری و آگاهی در برابر مشکلات ناشی از کاربرد تسليحات هسته‌ای، آن‌ها را وادار کرد تا به عقلانی کردن روابط بین‌المللی بپندیشند. در سال ۱۹۶۲ همزیستی مسالمت‌آمیز دیگر نتوانست موضوع مباحثات و مذاکرات و یا دلیل تبلیغاتی باشد بلکه اجباری در آن وجود داشت که می‌توان از آن به‌نام «تشدد زدایی» یاد کرد.